نفت و انرژی

بهره‌وری انرژی عملاً وجود خارجی ندارد

رئیس پژوهشگاه نیرو در نشست تخصصی بهره‌وری انرژی، با انتقاد از ساختارهای ناکارآمد و باورهای نادرست حاکم بر حوزه انرژی، این عوامل را مانع اصلی توسعه اقتصاد انرژی کشور دانست و تأکید کرد: بیش از سه دهه است که سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه دچار سوءبرداشت و فقدان برنامه‌ریزی مؤثر بوده است.

به گزارش زمان به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو، مجید عمیدپور رئیس پژوهشگاه نیرو در پنل تخصصی بهره‌وری انرژی که با حضور مدیران ارشد وزارت نیرو و اساتید دانشگاه، در سالن فردوسی پژوهشگاه نیرو برگزار شد، با اشاره به جایگاه پررنگ انرژی در اخبار کشور، این توجه را همزمان «خوب و غم‌انگیز» توصیف کرد و گفت: مشکلات کنونی انرژی، چالش‌هایی را ایجاد کرده که در اولویت مسائل کشور قرار گرفته‌اند.

وی با بیان اینکه ایران بیش از سه‌دهه است با سوءبرداشت‌ها در حوزه انرژی روبه‌روست، افزود: مفاهیم علمی انرژی نه در مصرف و نه در سیاست‌گذاری‌ها به درستی درک نشده‌اند و مسیر گذار انرژی و برقی‌سازی جهانی نیز در کشور ما مغفول مانده است.

عمیدپور با انتقاد از ساختار اقتصاد انرژی کشور اظهار داشت: اقتصاد انرژی ایران در قفسی گرفتار شده که بخش عمده‌ای از اقتصاد کلان به آن وابسته است، اما بازارهای مرتبط شکل نگرفته و باور لازم برای توسعه آن‌ها وجود نداشته است. این امر باعث شده بهره‌وری انرژی عملاً وجود خارجی نداشته باشد و وزارتخانه‌های نفت و نیرو که صرفاً نقش عرضه‌کننده دارند، به تنهایی مسئول بهره‌وری شناخته شوند.

وی با اشاره به ضعف در سیاست‌گذاری بین‌بخشی، گفت: مدیریت مصرف در بخش خانگی به وزارت مسکن و شهرسازی و در صنعت به وزارت صمت مربوط می‌شود، اما در عمل، نه سرمایه‌گذاری درستی انجام شده و نه باورهای صحیحی در برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی وجود داشته است.

رئیس پژوهشگاه نیرو همچنین افزود: انرژی جایگاهی در سبد خانوار ندارد و از گذشته تاکنون دولت نیز کارآمد عمل نکرده است. مردم بهتر از مسئولان می‌دانند چگونه باید مصرف کنند و اگر آزادسازی قیمت‌ها انجام می‌شد، مصرف برق کاهش می‌یافت.

عمیدپور در ادامه با اشاره به عقب‌ماندگی کشور در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، نبود مکانیسم‌های صحیح اقتصادی را عامل اصلی دانست و تأکید کرد: تا زمانی که اصلاحات ساختاری در اقتصاد کلان کشور ایجاد نشود، قوانین و مقررات موجود نیز قابلیت اجرا نخواهند داشت.

وی در پایان با اشاره به روند جهانی کاهش استفاده از انرژی‌های فسیلی و رشد هوش مصنوعی، بر لزوم بازنگری اساسی در ساختار اقتصاد انرژی ایران تأکید کرد و گفت: مسائل و مشکلات کشور در هم تنیده است و بدون اصلاحات اساسی، شرایط بهبود نخواهد یافت.

آماده‌باش ۵۲ هزار مگاواتی نیروگاه‌های حرارتی برای تابستان

در حالی که کشور خود را برای تابستانی کم‌سابقه از نظر گرما و مصرف آماده می‌کند، کاهش شدید ظرفیت تولید نیروگاه‌های برق‌آبی و رشد بی‌سابقه مصرف برق، بار اصلی تولید را به دوش نیروگاه‌های حرارتی انداخته است. صنعت برق ایران با شتابی بی‌وقفه در حال توسعه ظرفیت، بهینه‌سازی عملکرد و عبور از چالش‌های فنی و اقلیمی است تا تابستان پیش‌رو را بدون خاموشی پشت سر بگذارد.

به گزارش زمان به نقل از ایسنا، نخستین نشانه‌های هشداردهنده، از همان ماه‌های ابتدایی سال آشکار شد؛ فروردینی که مصرف برق در آن برای نخستین بار دو رقمی شد و دمای هوا ۵۵ درجه بیشتر از میانگین سال گذشته بود.

افزایش دما علاوه بر بالابردن مصرف، باعث کاهش راندمان برخی نیروگاه‌ها نیز می‌شود. در این شرایط، تولید برق نیروگاه‌های برق‌آبی که در سال‌های گذشته تا ۷۰۰ مگاوات در پیک تابستان را تأمین می‌کردند، حالا به کمتر از ۲۵۰۰ مگاوات رسیده است؛ افتی چشمگیر که ضرورت تکیه بیشتر بر نیروگاه‌های حرارتی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در پاسخ به این وضعیت، صنعت برق برنامه‌ای فشرده برای آماده‌سازی نیروگاه‌های حرارتی تدوین و اجرا کرده است. از مجموع ۱۰۲ هزار مگاوات برنامه تعمیراتی، بیش از ۹۷ درصد تا اواخر اردیبهشت به پایان رسیده و انتظار می‌رود پیش از خردادماه این عدد به بالای ۹۹ درصد برسد. تعمیرات نوروزی بارشد ۶۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته همراه بوده و ظرفیت تازه‌ای معادل ۱۱ هزار و ۵۰۰ مگاوات را وارد مدار کرده است. این حجم از فعالیت بی‌وقفه، ضریب آمادگی واحدهای حرارتی را به بالای ۹۸ درصد رسانده است؛ رقمی که نقش کلیدی در عبور موفق از پیک تابستان خواهد داشت.

در بخش توسعه ظرفیت نیز گام‌های بلندی برداشته شده است. طبق اعلام مسئولان، بیش از ۴۷۰۰ مگاوات ظرفیت جدید از طریق احداث نیروگاه‌های تازه، ارتقای توان واحدهای موجود و رفع محدودیت‌های فنی، در دستور کار قرار گرفته است. تنها بخشی از این افزایش ظرفیت (حدود ۱۴۳۰ مگاوات) از محل بهینه‌سازی عملکرد واحدهای قدیمی حاصل شده است.

افزایش ۴۵درصدی مزد کارگران کمر تولید را شکست؟

رونق فضای کسب و کار با افزایش قدرت خرید کارگران



بازرس مجمع عالی کارگران کشور گفت: مصوبه افزایش ۴۵ درصدی مزد امسال کارگران، با افزایش تورم اسفند سال قبل تبخیر و غیر قابل توجیه شده و عملا تثبیت جایگاه درآمدی کارگران حتی نسبت به فروردین سال ۱۴۰۳ هم نبوده است.

به گزارش سرویس اقتصادی زمان، حمیدرضا امام قلی تبار، بازرس مجمع عالی کارگران کشور گفت: حقوق و دستمزد افراد زیر مجموعه قانون کار و تأمین اجتماعی کشور که بیش از ۶۰ درصد جامعه را از حیث افراد تحت تکفل شامل می‌شود، اصلی ترین عامل در جهت تأمین حداقل های سبد معیشت این افراد و نیز فضای کسب و کار تلقی می‌شود.

وی ادامه داد: زیرا دریافتی این افراد در سریعترین زمان ممکن در چرخه تأمین قرار گرفته و به گونه ای از عوامل رونق در بازار خواهد بود. بهبود فضای کسب و کار در روزهای ابتدایی هرماه برای اکثریت واحدهای انتفاعی و اصناف بر صحت این موضوع تاکید دارد و هر چه به روزهای پایانی ماه نزدیکتر شده با وجود تقاضای خرید اما به دلیل نبود منابع مالی برای چنین اقشاری زنجیره خرید سرکوب می‌شود. امام قلی تبار افزود: اینکه این افراد عمدتا جزء ۵ دهک پایین جامعه هستند بر کسی پوشیده نیست. با این حال همین افراد مصرف کننده نهایی کالا و خدماتی هستند که در سطح کشور تولید می‌شود. علاوه بر آن مطالعه بر عملکرد کشورهای صنعتی و تطبیق درآمد دریافتی حقوق بگیران این کشورها با سبد معیشت ایده آل زندگی این افراد موید این نکته است که هرچه قدرت خرید آحاد جامعه افزایش یابد رونق فضای کسب و کار بهبود خواهد یافت. وی بیان کرد: تطبیق این موضوع با شرایط حال حاضر حقوق بگیران کشور با این کشورها صرفاً بیان مسائل بوده و در هیچ پارامتری قابل قیاس نبود و نخواهد بود. وی گفت: در پاسخ به سوال کسانی که افزایش حقوق سال ۱۴۰۴ کارگران را غیر متعارف و زیاد قلمداد می‌کنند و اعتقاد دارند با اعمال این پرداختی ها کمر تولید و سرمایه گذاری و متعاقب آن اشتغالزایی خواهد شکست و باعث افزایش تورم خواهد بود، باید گفت که با افزایش حقوق و دستمزد، قدرت خرید کارگران افزایش خواهد یافت که عامل اصلی و تحریک تقاضا در بازار خواهد بود. این موضوع افزایش تولید و بازدهی واحدهای خدماتی و بازرگانی را بدنبال خواهد داشت که در ادامه افزایش اشتغال را با خود به ارمغان می آورد. امام قلی تبار افزود: اینکه افزایش حقوق کارگران کشور در سال جاری می‌تواند باعث بهبود فضای کسب و کار شود، باید با قاطعیت گفت خیر. زیرا عقب ماندگی قدرت خرید کارگران از سنوات گذشته، استناد به نرخ تورم محافظه کارانه و غیر میدانی مناسب با سبد معیشت واقعی کارگران، تحمیل اراده کارفرمایان بر دولت بواسطه نیاز به کارفرما (مالیات)، ناموفق بودن دولت در حمایت از کارآفرین و سرمایه گذار و تولید و ده ها عوامل دیگر نه تنها افزایش واقعی حقوق جهت افزایش قدرت خرید نیروی کار حاصل نگردید، بلکه عقب گردی مشابه سنوات گذشته اتفاق افتاده است. وی ادامه داد: با اینکه مالیات پرداختی از سوی کارفرما،حقوق دستمزد پرداختی، عوارض بر ارزش افزوده و دهها عناوین بی مورد پرداختی کارفرما به دولت در بهای تمام شده کالا و خدمات لحاظ شده و همین حقوق بگیران مبنایستی با قدرت خرید خود اقدام به تهیه این کالاها و خدمات نمایند با این وجود در حالیکه مبلغ سبد معیشت محافظه کارانه یک خانوار حدود ۲۴ میلیون تومان مصوب شده بود با این حال با افزایش حقوق معادل ۵۰ درصد مبلغ سبد معیشتی معادل ۱۳ میلیون تومان موافقت گردید که با افزایش تورم اسفند سال قبل تبخیر و غیر قابل توجیه وعملاً تثبیت جایگاه درآمدی کارگران حتی نسبت به فروردین سال ۱۴۰۳ هم نبوده است.

وی در گفت و گو با تسنیم بیان کرد: با اینکه در این شرایط نیایستی تلاش های نمایندگان کارگری در شورای عالی کار چشم پوشی کرد که نسبت به بضاعت خود بیشتر از حد توان در این مسیر تلاش کرده اند که جامعه کارگری همواره قدردان این تلاش ها بوده است. وی گفت: تکرار رویه های منسوخ شده اینچنینی از سوی کمه سنگین تر ترازو یعنی دولت و کارفرما نه تنها باعث بهبود فضای کسب و کار نخواهد بود بلکه با کوچک تر کردن سبد و سفره معیشت جامعه کارگری، تمرکز، رانتمدن، بی میلی به اشتغال نیروی کار، مشکلات روحی و خانوادگی، سرکوب نیازهای حداقلی خانواده منجمله خرید مسکن، خودرو و غیره را بدنبال داشته و خواهد داشت. امام قلی تبار ادامه داد: نکته خیلی مهم تر اینکه نیروی کار با عقب ماندگی مزدی سنوات قبل خود علاوه بر سکوب نیازهای خود، جهت جبران نیازهای اصلی مانند ودیعه مسکن و غیره با اخذ تسهیلات بانکی با بهره های غیر قرض الحسنه از قبل درآمد های خود را از پیش استفاده کرده است. در هر صورت عدم نظارت کارآمد دولت در مهار تورم و اجرای سیاست های متناقض و بعضاً تشدید آن با اعمال سیاست های غیر کارشناسی نه تنها باعث حل این چالش ها نبوده، بلکه باعث تحریک و تشدید آن نشان داده است. بازرس مجمع عالی کارگران کشور اظهار داشت: اگرچه در این مسیر بگونه ای کارفرمایان هم چالش های مخصوص به خود را تجربه می کنند اما اینکه کارآفرینان و دولت ها در جلسات تعیین حقوق و دستمزد بدنبال سهم خواهی از بابت عدم توفیق در قلمرو کاری خود بوده و از جیب نیروی کار بفکر جبران مشکلات خود باشند خود تکرار رویه های گذشته در سرکوب افزایش قدرت خرید مصرف کننده نهایی کالا و خدمات خواهد بود که دودش بیشتر به چشم کارافرین، دولت و در نهایت نیروی کار خواهد رفت. وی بیان کرد: اگرچه افزایش حقوق به گونه ای حمایت از تولید و رونق اقتصاد قلمداد و باعث افزایش تقاضا واقعی خواهد شد، اما تصور افزایش تورم از دید کارآفرین و دولت، این چالش هرگز بواسطه افزایش حقوق و دستمزد نبوده و نیست دولت و کارفرما میبایستی با تصمیمی منطقی حداقل بهای تمام شده نیروی کار خود را جبران نموده تا کارگر بتواند از تأمین حداقل معیشت خود اطمینان حاصل کرده تا نسبت به اتمام اشتغال خود مسر بوده و چشم انداز روشنی نسبت به آینده و سربلندی از مسئولیت سرپرستی خانواده خود باشد که تاکنون این موضوع میسر نبوده است.

زمان گزارش می دهد؛

نقش کلیدی گلخانه ها در صرفه‌جویی انرژی

فائزه حیدری- در میانه بحران انرژی و کم‌آبی، توجه به کشاورزی نوین به‌ویژه کشت گلخانه‌ای، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای اقتصاد کشاورزی کشور تبدیل شده است. گزارشی که در ادامه می‌خوانید، مروری تحلیلی بر اهمیت انتخاب پوشش‌های مناسب در گلخانه‌ها و تأثیر آن بر صرفه‌جویی انرژی، کاهش هزینه‌ها و حرکت به‌سوی کشاورزی پایدار دارد.

با رشد فزاینده مصرف انرژی در بخش‌های مختلف کشور، به‌ویژه در ماه‌های گرم، گلخانه‌ها به‌عنوان یکی از بخش‌های پرمصرف اما راهبردی کشاورزی، بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته‌اند. دکتر فرزاد آزادشهرکی، عضو هیأت علمی موسسه تحقیقات فنی و مهندسی کشاورزی، در گفت‌وگو با ایسنا می‌گوید: « **انتخاب پوشش مناسب می‌تواند تا ۴۰ درصد مصرف انرژی در گلخانه‌ها را کاهش دهد.**».

این میزان کاهش، اگر به‌صورت فراگیر در سطح گلخانه‌های کشور اعمال شود، می‌تواند تأثیری چشمگیر در کاهش بار شبکه برق و هزینه‌های انرژی کشاورزان داشته باشد. طبق آمار، بیش از ۹۵ درصد گلخانه‌های کشور از پوشش‌های پلی‌اتیلن استفاده می‌کنند؛ گزینه‌ای کم‌هزینه اما پرچالش که عمر کوتاه و افت عبور نور در طول زمان از جمله نقاط ضعف آن است. آزاد شهرکی با اشاره به ناکارآمدی ترکیب برخی پوشش‌ها با اقلیم‌های خاص، بر لزوم طراحی اقلیم‌محور سازه‌های گلخانه‌ای تأکید می‌کند. در این میان، پلی‌کربنات با ویژگی‌هایی چون مقاومت بالا، طول عمر بیشتر و عبور مناسب نور، به‌عنوان جایگزینی اقتصادی و پایدار معرفی شده و ورقه‌های فایبرگلاس و PVF نیز هر یک با ویژگی‌های خاص، بخشی از آینده گلخانه‌های مدرن را تشکیل می‌دهند. سالانه میلیون‌ها تن پسماند پلاستیکی از گلخانه‌ها تولید می‌شود که بدون مدیریت صحیح، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر محیط زیست وارد می‌کند. آزادشهرکی بر استفاده از پوشش‌های زیست‌تخریب‌پذیر و بازیافت‌پذیر تأکید کرده و راهکارهایی از قبیل استفاده از پلاستیک‌های جاذب امواج فروسرخ و شیشه‌های خودتمیزشونده را در مسیر آینده می‌داند. این رویکرد فناورانه در سطح کلان نیز مورد تأکید است. غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی، توسعه کشت گلخانه‌ای را راهبردی برای گذر از بحران کم‌آبی عنوان کرده و گفته است: «**با اجرای طرح کشاورزی در گلخانه‌ها، مصرف آب تا ۶ برابر کاهش و تولید تا ۶ برابر افزایش می‌یابد.**» استان تهران با بیش از ۵ هزار هکتار اراضی گلخانه‌ای، اکنون پیشتاز این عرصه است و محصولات صادرات‌محور آن در مسیر توسعه پایدار، ارزآوری قابل توجهی برای کشور به همراه دارد. ادغام دانش فنی با شرایط اقلیمی، انتخاب هوشمندانه پوشش‌های گلخانه‌ای، حمایت از نوآوری‌های بومی و نگاه کل‌نگر به منابع، می‌تواند گلخانه‌ها را به پیشران کشاورزی اقتصادی و پایدار در ایران تبدیل کند؛ جایی که هماهنگی میان علم، صنعت و طبیعت، کلید عبور از چالش‌های محیط زیستی و اقتصادی خواهد بود.

هشدار درباره فروش اجباری روغن در کنار رب و تن ماهی؛

ضرورت بازنگری در نظام توزیع و نظارت

رئیس اتاق اصناف تهران تاکید کرد: هیچ فروشگاهی حق ندارد خرید روغن را به تهیه سایر اقلام مشروط کند؛ این کار تخلف صریح است و بازرسان موظف به برخورد با آن هستند.

به گزارش زمان به نقل ازایسنا، چند ماهی است که بازار روغن‌های خوراکی، در فروشگاه‌ها با چالش روبرو شده است. انچه در ظاهر به‌عنوان "افزایش تقاضا" یا "اصلاحات مالیاتی" مطرح می‌شود، در واقع سایه‌ای بر مشکلات عمیق‌تری انداخته که از قاچاق گسترده و احتکار کالا گرفته تا فروش اجباری روغن به همراه اقلامی نظیر رب گوجه‌فرنگی، تن ماهی و کیک و کلوچه را شامل می‌شود. با وجود مصوبه افزایش حدود ۲۰ درصدی قیمت روغن در دی ماه ۱۴۰۳، مشاهدات میدانی ایسنا در روزهای اخیر در برخی فروشگاه‌های زنجیره‌ای نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها یا اصلا روغن عرضه نمی‌کنند یا آن را فقط در قالب فروش‌های ترکیبی عرضه می‌کنند. به عبارتی، مشتریان برای خرید یک بطری روغن مایع، ناچارند اقلامی دیگر را نیز به اجبار بخرند. این موضوع برای خانوارها نگران‌کننده است، اما فشار اصلی متوجه صنوف و تولیدکنندگان کوچک است که برای ادامه فعالیت خود به روغن نیاز دارند. در حالی که قیمت درج‌شده بر روی حلب‌های ۱۶ کیلویی روغن مشخص است، برخی صنوف گزارش داده‌اند که این محصول را تنها با قیمت‌های دو برابری و آن هم بدون فاکتور رسمی دریافت می‌کنند. این شیوه توزیع، نه‌تنها تخلف آشکار است، بلکه امکان پیگیری حقوقی را برای خریداران ناممکن می‌سازد و فضا را برای سودجویی واسطه‌ها باز می‌گذارد. حمیدرضا رستگار - رئیس اتاق اصناف تهران - با اشاره به غیرقانونی بودن فروش اجباری گفت: هرگونه فروش اجباری یا فروش ترکیبی که اجبار در آن باشد، تخلف محسوب می‌شود. هیچ واحد صنفی یا فروشگاهی اجازه ندارد مشتری را مجبور به خرید چند کالای همراه کند. قیمت فروش باید دقیقاً مطابق با نرخ درج‌شده روی کالا باشد و تخلف در این زمینه، قابل پیگیری است. رستگار در خصوص سازوکارهای نظارتی نیز افزود: نظارت توسط بازرسان اتحادیه‌ها، اتاق‌های اصناف و سازمان‌های تعزیراتی انجام می‌شود. اگر شهروندان با مواردی از تخلف روبرو شدند، می‌توانند با شماره‌های ۱۲۴ یا ۱۳۵ تماس بگیرند یا شکایت خود را به صورت حضوری به واحد نظارت و بازرسی اتاق اصناف ارائه دهند. در شرایطی که کارخانه‌های تولید روغن در دی‌ماه افزایش قیمت دریافت کرده‌اند و مشکلی در واردات مواد اولیه گزارش نشده، دلیل کمبود در بازار و عدم دسترسی عمومی به این کالای اساسی چه می‌تواند باشد؟ کارشناسان اقتصادی معتقدند بخشی از تولیدات به سمت قاچاق سوق داده می‌شود و بخشی نیز در انبارها برای فروش در قالب بسته‌های ترکیبی یا در بازار آزاد نگهداری می‌شود. همین روند، بازار را دچار «کمبود ساختگی» کرده و اعتماد عمومی را نسبت به کارآمدی نظام توزیع و نظارت خدشه‌دار کرده است. بازار روغن در ایران امروز به میدان رقابت میان تولیدکنندگان، دلالان، فروشگاه‌ها و دستگاه‌های نظارتی بدل شده است؛ رقابتی که مصرف‌کننده نهایی، بازنده اصلی آن است. تداوم وضعیت موجود می‌تواند در آینده نزدیک نه تنها بازار روغن، بلکه سایر کالاهای اساسی را نیز با بحران مشابهی مواجه کند؛ مگر آنکه اراده‌ای جدی برای اصلاح مسیر توزیع، حذف واسطه‌های سودجو و تقویت ساختارهای نظارتی شکل بگیرد.

مشتری

برگسبز خودروسواری پژوتیپ ۲۰۶SD-TU۵ مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۸۲- ۴۴۸ ق ۶۸ و شماره موتور ۱۴۶۳B۰۰۱ و شماره شاسی NAAP۴۱FE۷GJ۷۸۸۵۴۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

محمود آباد

مشتری

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۵ شماره پلاک ایران ۷۲ - ۱۶۹ م ۵۱ شماره موتور ۱۷۳۶۷۲۰ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۲۶۸۸۷ به نام قنبر مطلبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

۶۵

نگاه روز

نقطه شکست در معماری جدید تحریم نفتی ایران کجاست؟

محمدامین کردی

در سال‌های اخیر، سیاست انرژی آمریکا به ابزاری برای تحمیل فشار ژئوپلیتیکی و تجاری بر رقبای جهانی و حتی شرکای اقتصادی‌اش تبدیل شده است. در این چارچوب، تحریم‌های نفتی علیه ایران شدت یافته و شامل صادرات نفت کشور ناپایدارتر شده است. راهبرد پالایشگاه‌داری فراسرزمینی، با تقسیم ریسک و عبور از گلوگاه‌های تحریمی، می‌تواند برای ایران نه‌تنها سپری دفاعی، بلکه بستری برای ارتقاء جایگاه اقتصادی و سیاسی در نظم جدید جهانی انرژی باشد.

تقابل‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی در جهان از جمله تحریم نفتی ایران طی سال‌های اخیر وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن قدرت‌های بزرگ نه‌فقط بر سر سیاست و امنیت، بلکه در حوزه‌های تجاری، فناوری و انرژی با یکدیگر رقابت می‌کنند. در قلب این تحولات، ایالات متحده تلاش می‌کند بحران تراز پرداخت‌های خود را که عمدتاً ناشی از کسری تجاری مزمن است، با تثبیت جایگاهش به‌عنوان تأمین‌کننده بلاادست زنجیره‌های تولید جهانی و صادرات‌دهنده مواد خام و فناوری‌های کلیدی مدیریت کند. آمریکا می‌داند که بازگرداندن مشاغل تولیدی کم‌درآمد از چین و دیگر کشورها به داخل عملاً امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل روی تثبیت مزیت در بخش‌های بالادستی و فناوری متمرکز شده است. برای پیشبرد این راهبرد، واشنگتن فشار تجاری شدیدی بر کشورهایی وارد می‌کند که بیشترین وابستگی را به بازار آمریکا دارند و با این کشور دارای تراز تجاری مثبت هستند؛ مهم‌ترین این کشورها چین است. آمریکا با افزایش تعرفه‌ها و تهدید به تشدید اقدامات تجاری، چین را وادار می‌کند به بازبینی در رویکرد اقتصادی‌اش فکر کند و به سمت میز مذاکره حرکت کند. در همین چارچوب، برخی کشورها مانند پاکستان نیز برای کسب امتیاز در مذاکرات تجاری با آمریکا، به فکر تغییر منابع تأمین انرژی‌شان افتاده‌اند. گزارش اخیر S&P Global نشان می‌دهد پاکستان به‌دنبال خرید نفت از ایالات متحده است تا از آن به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات تعرفه‌ای احتمالی با دولت ترامپ استفاده کند؛ اقدامی که نشان‌دهنده وزن یافتن سیاست انرژی در بازی‌های ژئوپلیتیکی نوین است. این تغییر شرایط بین‌المللی سبب شده آمریکا موضع سخت‌گیرانه‌تری نسبت به تحریم‌های نفتی ایران اتخاذ کند. چین که با بحران تعرفه‌ها و با موضوع همکاری با ایران مواجه است، ناگزیر وارد تنشی چندبعدی با آمریکا شده است. در این میان، ایالات متحده از سال ۲۰۲۴ با تصویب و تقویت زیرساخت‌های حقوقی نظیر قانون «توقف پناه دادن به نفت ایران» یا SHIP، دامنه تحریم‌ها را گسترش داده و حتی مدیران و خانواده‌های شرکت‌ها و پالایشگاه‌هایی را که نفت ایران را خریداری می‌کنند، هدف قرار داده است؛ اقدامی که سطح ریسک همکاری با ایران را برای بازیگران بازار انرژی به‌شدت بالا برده است. در ماه‌های اخیر، شدت یافتن فشارها با تحریم دو پالایشگاه مستقل چینی از سوی آمریکا که به ترتیب در تاریخ‌های ۲۰ مارس و ۱۶ آوریل اعمال شده‌اند، آشکارتر شده است. بر اساس گزارش موسسه کپلر، صادرات نفت ایران به چین که در ماه مارس به حدود ۱.۸ میلیون بشکه در روز رسیده بود، پس از این تحریم‌ها در ماه آوریل به ۱.۳ میلیون بشکه کاهش یافت. هرچند کپلر معتقد است این کاهش هنوز با انتظارات دولت ترامپ فاصله دارد، اما نکته مهم آن است که این وضعیت برای ایران ناپایدار است. به‌ویژه با اتمام دوره تعمیرات پالایشگاه‌های دولتی چین، ممکن است حاشیه سود پالایشگاه‌های مستقل کاهش یابد و آن‌ها با به‌طور کامل از خرید نفت ایران منصرف شوند یا برای جبران ریسک بالاتر، تخفیف‌های بیشتری طلب کنند. از سوی دیگر، خود دولت چین نیز با شرایطی شکننده مواجه است و بیم آن می‌رود که دامنه تحریم‌ها به پالایشگاه‌های دولتی این کشور نیز سرایت کند. تجربه ایران در مقاطع قبلی تحریمی نشان می‌دهد که خلاقیت در طراحی زنجیره صادرات نفت می‌تواند معادلات بازار را تغییر دهد. در گذشته، تحریم نفتکش‌ها چالشی اساسی برای صادرات نفت ایران بود؛ هیچ شرکت بین‌المللی حاضر نبود ریسک جابجایی نفت ایران را بر عهده بگیرد. ایران با خرید نفتکش‌ها و توسعه ناوگان حمل‌ونقل خود، این ریسک را به دوش کشید و توانست صادرات نفت را حفظ کند. امروز نیز شرایط مشابهی در انتهای زنجیره صادرات دیده می‌شود. پالایشگاه‌ها از ترس تحریم، از خرید نفت ایران عقب‌نشینی می‌کنند. بنابراین، ایران باید راهبرد مالکیت و اداره پالایشگاه‌های خارجی را در پیش گیرد و همان‌طور که حمل‌ونقل نفت را به دست گرفت، ریسک پالایش و فروش فرآورده‌ها را نیز خود بپذیرد تا وابستگی‌اش به تصمیمات بازیگران خارجی کاهش یابد. مالکیت بر پالایشگاه‌های فراسرزمینی مزایای متعدد دیگری نیز به همراه دارد. نخست آنکه این مدل یک بازار پایدار و قابل اتکا برای نفت ایران فراهم می‌کند. ایران دیگر تنها صادرکننده نفت خام نخواهد بود، بلکه تأمین‌کننده فرآورده‌های نفتی نیز خواهد شد؛ فرآورده‌هایی که بازار جهانی آن‌ها متنوع‌تر است و تحریم‌پذیری کمتری دارد. دوم آنکه تعامل اقتصادی ایران با کشورهای میزبان افزایش می‌یابد. درآمد حاصل از فروش فرآورده‌ها می‌تواند صرف خرید کالاهای مورد نیاز ایران یا سرمایه‌گذاری در بازار محلی شود و بدین ترتیب، پیوندهای اقتصادی و سیاسی بین دو کشور تقویت می‌شود. از منظر کشورهای میزبان نیز این راهبرد جذابیت‌های زیادی دارد. نخستین و مهم‌ترین مزیت برای آن‌ها، پایداری و تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی است. بسیاری از این کشورها، به‌ویژه اقتصادهای در حال توسعه، در شرایطی هستند که به شدت به واردات انرژی وابسته‌اند و با توجه به تلاش آمریکا برای تبدیل شدن به صادرکننده بزرگ انرژی و استفاده از انرژی به‌عنوان ابزار فشار ژئوپلیتیکی، در موقعیتی شکننده قرار دارند. حضور یک سرمایه‌گذار خارجی مانند ایران که متعهد به تأمین مستمر نفت و فرآورده‌های نفتی باشد، نه‌تنها امنیت انرژی آن‌ها را تقویت می‌کند، بلکه ابزار چانه‌زنی ارزشمندی در مذاکرات اقتصادی و تجاری با آمریکا برایشان فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، هرچه این کشورها تنوع بیشتری در سبد تأمین انرژی خود داشته باشند و از انحصار واردات از آمریکا یا متحدانش خارج شوند، در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی واشنگتن مقاوم‌تر می‌شوند. علاوه بر این، ورود ایران به بازار پایین‌دستی کشور میزبان، به معنای تأمین نیازهای فرآورده‌ای آن بازار است؛ فرآورده‌هایی که برخلاف نفت خام، به‌سختی قابل رهگیری و تحریم هستند. حتی اگر پالایشگاه ایرانی تحریم شود، ردیابی مسیر نهایی فرآورده‌ها برای آمریکا بسیار دشوار خواهد بود، زیرا این محصولات وارد شبکه‌های توزیع داخلی با منطقه‌ای می‌شوند و منشأ آن‌ها به‌راحتی قابل شناسایی نیست. این ویژگی به‌ویژه برای کشورهایی که تحت فشار آمریکا هستند، یک سپر حفاظتی ارزشمند در تأمین انرژی محسوب می‌شود و به آن‌ها امکان می‌دهد در مذاکرات با واشنگتن از موضعی قدرتمندتر ظاهر شوند. در مجموع، راهبرد خرید پالایشگاه‌های خارجی برای ایران می‌تواند نقطه عطفی در سیاست انرژی کشور و عبور از تحریم نفتی باشد؛ راهبردی که با تقسیم هوشمندانه ریسک، از شکنندگی صادرات نفت خام عبور می‌کند و ایران را به بازیگری فعال‌تر و مقاوم‌تر در زنجیره جهانی انرژی تبدیل می‌کند. این رویکرد نه‌تنها یک سپر دفاعی در برابر فشارهای بین‌المللی است، بلکه به فرصتی برای گسترش تعاملات اقتصادی و سیاسی ایران در سطح جهانی تبدیل خواهد شد. ایران اگر بتواند تجربه موفق گذشته‌اش در بخش حمل‌ونقل نفت را این بار در بخش پالایش و توزیع تکرار کند، خواهد توانست حتی در دشوارترین دوران تحریم، سهم خود را از بازار انرژی جهان حفظ کند و برای اقتصاد ملی پشتوانه‌ای مطمئن فراهم آورد.

Alborz.payam@gmail.com